

ناسازی در میدان دانشگاهی و بیگانگی دانشگاهی (مورد مطالعه: دانشجویان دانشگاه مازندران)

علی اصغر فیروزجانیان^۱

حیدر جانعلیزاده^۲

بهزاد هاشمیان^۳

تاریخ پذیرش: ۹۵/۱۲/۱۷

تاریخ دریافت: ۹۵/۰۸/۲۴

چکیده

بیگانگی تحصیلی یا دانشگاهی، به عنوان یکی از اشکال بیگانگی، اصطلاحی برای توضیح جدایی دانشجویان یا دانش‌آموزان از فرایند یادگیری و تجربه منزوی بودن از یک گروه تحصیلی یا دانشگاهی است که شخص باید به آن تعلق داشته باشد یا درگیر آن باشد. پژوهش حاضر با هدف تحلیل رابطه میان ناسازی در میدان دانشگاهی و بیگانگی دانشگاهی در میان دانشجویان دانشگاه مازندران انجام گرفته است. روش پژوهش، پیمایش و جامعه آماری شامل تمامی دانشجویان دانشگاه مازندران در سال تحصیلی ۹۳-۹۴ است که ۳۹۰ نفر از آن‌ها براساس نمونه‌گیری طبقه‌ای متناسب با حجم، انتخاب شدند و پرسشنامه بین آن‌ها توزیع شد. چارچوب نظری این پژوهش، نظریه ناسازی (هیسترسیس) بوردیو است. پس از جمع‌آوری اطلاعات، فرضیه‌های تحقیق در دو سطح توصیفی- استنباطی با استفاده از نرم‌افزارهای SPSS و AMOS بررسی شد. مطابق نتایج ضریب همبستگی پیرسون، بین میدان درون دانشگاهی (هنجارهای محدودکننده، جامعه‌پذیری آموزشی ضعیف) با متغیر وابسته (بیگانگی دانشگاهی) تأثیر مستقیم و مثبت وجود دارد. همچنین براساس نتایج آزمون مدل نظری تحقیق که با روش معادلات ساختاری انجام شد، مؤلفه‌های میدان دانشگاهی، ۴۰ درصد از تغییرات متغیر وابسته (بیگانگی دانشگاهی) را تبیین می‌کنند. **واژه‌های کلیدی:** بیگانگی، بیگانگی دانشگاهی، دانشگاه، میدان، ناسازی.

۱. استادیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه مازندران (نویسنده مسئول)، a.firozjayan@umz.ac.ir.

۲. دانشیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه مازندران، hjc@umz.ac.ir

۳. کارشناس ارشد مطالعات جوانان دانشگاه مازندران، behzad.hashemi68@gmail.com

مقدمه و طرح مسئله

دوران مدرنیته و جامعه سرمایه‌داری، همچنان که به پیش می‌رود، چالش‌های اساسی را برای افراد جامعه به وجود می‌آورد؛ چالش‌هایی که ممکن است فرد را از جامعه دور کند و موجب بروز ناهنجاری‌ها و کج‌روی‌های اجتماعی شود و درنهایت، نوعی انزوا^۱ برای افراد جامعه پدید آورد (ستوده، ۱۳۸۹: ۷۹). یکی از معضلات دوران معاصر که جوامع بسیاری به آن مبتلا بوده‌اند و ذهن متفکران متعددی را به خود مشغول کرده است، بیگانگی^۲ و شکل‌های گوناگون آن است (محسنی تبریزی، ۱۳۴: ۱۳۸۱). افرادی که به‌عنوان بیگانه شناخته می‌شوند، کسانی هستند که قادر نیستند به بخشی از جامعه تبدیل شوند (اسین، ۲۰۰۹: ۴).

بیگانگی تحصیلی یا دانشگاهی^۳ به‌عنوان یکی از اشکال بیگانگی، اصطلاحی است که برای توضیح جدایی دانشجویان یا دانش‌آموزان از فرایند یادگیری به‌کار می‌رود و آن را وضعیت یا تجربه منزوی‌بودن از یک گروه تحصیلی یا دانشگاهی تعریف می‌کنند که فرد باید به آن تعلق داشته باشد یا درگیر آن باشد (جانسون، ۲۰۰۵: ۱۷۹).

در جامعه مدرن، واقعیت و ایده دانشگاه، جایگاه و مرجعیتی مرکزی و حیاتی در توسعه دانش، فرهنگ و اجتماع دارد. فرهنگ دانشگاهی مؤثر و توانمند، یکی از ستون‌های معبد جدید دانش است. فرهنگ ضعیف و ناکارآمد دانشگاهی، انسان و هویت دانشگاهی ضعیف و علیل تولید می‌کند. مطالعاتی که در زمینه علم‌پژوهی و فرهنگ آموزش عالی در ایران صورت گرفته‌اند (فانعی‌راد، ۱۳۷۹؛ رفیع‌پور، ۱۳۸۱؛ قاضی طباطبایی، ۱۳۷۸؛ طایفی، ۱۳۷۸؛ فاضلی، ۱۳۸۱)، همگی نشانگر جامعه‌پذیری ناکارآمد و منفعل دانشگاهی در میان دانشجویان دانشگاه‌های ایران هستند (ذکایی، ۱۳۹۳: ۱). رفتارهای جمعی دانشجویان، گواه آن است که با اینکه آنان همه تلاش خود را برای قبولی در کنکور انجام می‌دهند، بعد از ورود به محیط دانشگاه، به‌تدریج از شرایط محیط آموزشی و دانشگاه احساس انزجار و بی‌زاری می‌کنند، علاقه آن‌ها به درس و تحصیل کاهش می‌یابد و به‌نوعی از تحصیل و دانشگاه بیگانه می‌شوند (موسوی، ۱۳۹۰: ۳۸). اگرچه آغاز زمینه‌های بیگانگی از دانشگاه را می‌توان دوران مدرسه و دبیرستان دانست (تینا و گردا، ۲۰۱۱).

شواهد نشان می‌دهد احساس‌ها و نگرش‌هایی مانند خستگی و عذاب در کلاس درس، درگیرنشدن عمیق در مباحث کلاسی، غیبت‌های غیرموجه، سرقت علمی و کپی‌برداری از آثار

1. Isolation
2. Alienation
3. Academic alienation

دیگران برای ارائه کارنوشته یا مقاله به استاد، طولانی شدن فرایند تکمیل پایان نامه، احساس بیهودگی از تحصیل در رشته‌های علوم انسانی، بی‌رغبتی در انجام دادن پایان نامه، داشتن زندگی ذهنی و غیرواقعی، طرد واقعیت‌های جامعه ایران، احساس نداشتن کنترل فردی به زندگی و هویت فردی - اجتماعی و دیگر عوامل، موجب بروز بیگانگی دانشجویان از تحصیل و دانشگاه شده است (ذکایی، ۱۳۸۸: ۵۶).

براساس آمار و گزارش‌ها در زمینه علایق تحصیلی، نزدیک به ۳۱ درصد یعنی یک‌سوم دانشجویان ایرانی، یا علاقه‌ای به رشته تحصیلی خود ندارند یا با میل و رغبت شخصی در دانشگاه تحصیل نمی‌کنند. در واقع، به‌نوعی بیگانگی پنهان از تحصیل و دانشگاه دارند. در نگرش به دروس دانشگاهی، ۷۲ درصد دانشجویان معتقدند که محتوای درسی رشته‌های تحصیلی به‌روز نیست. در نگرش به فعالیت‌های دانشجویی، ۶۱ درصد دانشجویان هیچ اشتیاقی به عضویت در تشکلهای دانشجویی ندارند و نزدیک به ۴۰ درصد یا دوپنجم دانشجویان نیز در دانشگاه احساس امنیت نمی‌کنند (وضعیت و نگرش جوانان، ۱۳۸۰: ۴۹۴ - ۴۹۸). پژوهش‌های پیشین نشان می‌دهد امروزه جامعه دانشجویی ایران با مسائلی مانند ناکارآمدی نیروی انسانی، مدرک‌گرایی، ارتباط نداشتن محتوای درسی با نیازهای واقعی جامعه، دلگرمی نداشتن نسبت به تحصیلات عالی، انفعال و بی‌انگیزگی در فعالیت‌های گروهی و بی‌رغبتی در انجام دادن فعالیت‌های علمی روبه‌روست (قانع‌راد، ۱۳۸۳: ۱۷).

نهاد دانشگاه تقویت‌کننده ارزش‌ها، هنجارها و ایده‌هایی درمورد زندگی، علم، فرهنگ، اقتصاد و مسائل جامعه و مردم است. اگر جامعه‌پذیری دانشگاهی به‌درستی صورت نگیرد و عوامل مؤثر بر بیگانگی و نبود جامعه‌پذیری مؤثر در دانشجویان بررسی نشود، جامعه ایران با سکنه فرهنگی روبه‌رو می‌شود که یکی از پیامدهای آن، زندگی همراه با احساس جدایی و غریبگی است (ذکایی، ۱۳۹۳: ۷). اگر جوانان یک جامعه به‌ویژه قشر دانشجو و تحصیل کرده آن، دچار بیگانگی و دلزدگی از تحصیل و دانشگاه شوند، به‌طور قطع همین قشر، هیچ تعهد، التزام و علاقه‌ای نه تنها به دانشگاه، بلکه به فرهنگ و جامعه نیز نخواهند داشت. در نتیجه، جامعه از مشارکت و حضور نسلی فعال و پویا محروم خواهد شد. تحقیق حاضر، با به‌کارگیری نظریه ناسازی بورديو (هیسترسیس) به دنبال تحلیل جامعه‌شناختی پدیده بیگانگی دانشگاهی در میان دانشجویان است. براین اساس، این پژوهش به بررسی تأثیر میدان دانشگاهی بر بیگانگی دانشگاهی می‌پردازد.

پیشینه پژوهش

مرور مطالعات تجربی، به طور معمول به دلایل مختلفی از جمله انتخاب ایده‌های نظری از یک سو و مطالعه روش و استفاده از تکنیک‌های آماری مورد نیاز از سوی دیگر صورت می‌گیرد. بدین ترتیب، برای تقویت ابعاد نظری، روش‌شناختی و تعیین نقطه عزیمت این پژوهش، به مرور پژوهش‌های تجربی داخلی و خارجی می‌پردازیم. بررسی مطالعات خارجی پیشین در این پژوهش در میان پژوهش‌های دوره‌های زمانی ۱۹۹۵-۲۰۱۴ و مرور تحقیقات داخلی در میان مطالعات سال‌های ۱۳۸۲-۱۳۹۳ انجام گرفته است. در میان پژوهش‌های پیشین، آن دسته از پژوهش‌هایی که قرابت بیشتری با موضوع مورد نظر دارند، بررسی می‌شوند.

مطابق بررسی‌ها، در بیشتر تحقیقات داخلی، به بیگانگی اجتماعی قشر جوان از نهادها و روابط اجتماعی و بیگانگی از خود، و به لحاظ بیگانگی به ابعاد بی‌قدرتی، بی‌معنایی، بی‌هنجاری و انزوای اجتماعی اشاره شده است. در تحقیقات داخلی، بیشترین تأکید بر مؤلفه‌های بی‌اعتمادی اجتماعی، بی‌اعتنایی اجتماعی، هم‌نوایی اجتماعی، نارضایتی از زندگی، ضعف نظام اقتصادی، ضعف سرمایه اجتماعی و تضعیف تعهد جمعی است که در گسترش پدیده بیگانگی مؤثرند. همچنین از نظریه ملوین سیمن در زمینه بیگانگی و ابعاد آن، به‌عنوان چارچوب نظری تحقیقات داخلی استفاده شده است. در تحقیقات داخلی، جز پژوهش موسوی (۱۳۹۰)، ذکایی (۱۳۹۳) و جعفری (۱۳۹۳) که به بحث بیگانگی تحصیلی دانشجویان پرداخته‌اند، کمتر مطالعه‌ای را می‌توان یافت که به بررسی عمیق بیگانگی دانشگاهی و تحصیلی پرداخته باشد. بدین صورت که بیشتر تأکید تحقیقات داخلی مربوط به بیگانگی اجتماعی جوانان است و کمتر به تعاملات بین دانشجوی، استاد و محیط دانشگاه در شکل‌دهی به بیگانگی دانشگاهی توجه نشان داده شده است.

در تحقیقات خارجی، بیشترین تأکید بر مؤلفه‌هایی مانند نداشتن احساس تعلق به جامعه، بی‌تعهدی اجتماعی و تأثیر پایگاه اجتماعی-اقتصادی، در بیگانه‌شدن افراد مورد تأکید بوده است. مطابق بررسی‌ها، در بیشتر مطالعات خارجی به تمایز میان دو رویکرد خرد و کلان اشاره شده است. مطالعاتی که با چارچوب کلان به رابطه میان بیگانگی، شرایط اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی می‌پردازند، در واقع مفهوم بیگانگی را در قالب طرد اجتماعی تحلیل می‌کنند، اما آن دسته از پژوهش‌هایی که بر بعد تحصیلی، آموزشی و تجربیات دانشجویان یا دانش‌آموزان برای درک الگوهای احتمالی بیگانگی تأکید می‌کنند، در واقع، گروه‌های کوچک در بستر مشخص مانند دانشگاه یا مدرسه را بررسی کرده‌اند.

جدول ۱. مشخصات روش شناختی تحقیقات داخلی بیگانگی

محقق/ محققان	حوزه مطالعات	روش تحقیق	حجم نمونه	شیوه نمونه گیری	ابزار جمع آوری اطلاعات	عوامل مؤثر بر بیگانگی
فاضلی (۱۳۸۲)	ناکامی آموزش دانشگاهی	توصیفی - تحلیلی	-	-	کتابخانه‌ای	فرهنگ دانشگاهی متفاوت
ستوده (۱۳۸۷)	ناکامی آموزشی	غیر آزمایش - همبستگی	۴۲۵	طبقه‌ای نامتناسب	پرسشنامه	مطالب درسی، اهداف آموزشی ویژگی‌های استادان
صالح‌نژاد (۱۳۸۸)	بیگانگی اجتماعی	پیمایش	۳۷۱	تصادفی هدفمند	پرسشنامه	سرمایه فرهنگی، بی قدرتی، بی معنایی، بی هنجاری
زکی (۱۳۸۸)	بیگانگی اجتماعی	پیمایش	۳۰۰	تصادفی ساده	پرسشنامه	بیگانگی از نهادها و روابط اجتماعی
موسوی و حیدرپور (۱۳۹۰)	بیگانگی تحصیلی	پیمایش	۳۵۹	نمونه گیری دومرحله‌ای	پرسشنامه	مدرک گرایی، ایدئولوژیک بودن نظام آموزشی، محدودیت‌های هنجاری
زکی‌خانی (۱۳۸۹)	بیگانگی در میان دانشجویان	موردی - پیمایش	۱۱۸	تصادفی ساده	پرسشنامه	بی هنجاری، جنسیت، سطح تحصیلات
رحمان‌پور (۱۳۸۹)	بیگانگی اجتماعی جوانان	پیمایش	۳۸۴	نمونه گیری خوشه‌ای	پرسشنامه	وسایل ارتباط جمعی، فردگرایی، محدودیت انتخاب برای افراد
ذکایی و اسماعیلی (۱۳۹۰)	بیگانگی تحصیلی	کیفی (پدیدارشناسی)	۴۰	نمونه گیری نظری - مصاحبه - میدانی هدفمند		سیاست فرهنگ، فاصله گرینی، تعادل میان نیازها و ارزش‌ها، انگیزه اقتصادی، فرهنگ آموزشی
بنی‌فاطمه (۱۳۹۰)	بیگانگی اجتماعی	پیمایش	۳۸۷	طبقه‌ای متناسب	پرسشنامه	اعتماد اجتماعی، پایگاه اجتماعی - اقتصادی
توفیق‌بان و حسینی (۱۳۹۱)	بیگانگی اجتماعی	پیمایش	۳۶۰	نمونه گیری طبقه‌ای	پرسشنامه	اعتماد اجتماعی، گرایش‌های مذهبی، هم‌نوایی، رضایت از زندگی
مجیدی (۱۳۹۱)	بی‌اعتنایی اجتماعی	پیمایش	۳۷۴	طبقه‌ای متناسب با حجم	پرسشنامه	بیگانگی اجتماعی، اثربخشی اجتماعی، اعتماد اجتماعی
طالبی و برزگری (۱۳۹۱)	اعتماد و کناره‌گیری اجتماعی	پیمایش	۳۶۱	نمونه گیری طبقه‌ای	پرسشنامه	کاهش اعتماد بین فردی و اعتماد تعمیم یافته، پایگاه اقتصادی - اجتماعی
وثوقی و ساری (۱۳۹۲)	بیگانگی اجتماعی جوانان	پیمایش	۳۷۵	نمونه گیری چندمرحله‌ای	پرسشنامه	بی هنجاری، بی معنایی، بی اعتمادی اجتماعی، ضعف نظام اقتصادی، تضعیف تعهد جمعی
حمدی (۱۳۹۲)	بیگانگی تحصیلی	پیمایش	۷۱۹	تصادفی هدفمند	پرسشنامه	بی قدرتی، بی معنایی، بی هنجاری، جنسیت

ادامه جدول ۱. مشخصات روش شناختی تحقیقات داخلی بیگانگی

محقق/ محققان	حوزه مطالعات	روش تحقیق	حجم نمونه	شیوه نمونه گیری	ابزار جمع آوری اطلاعات	عوامل مؤثر بر بیگانگی
جعفری (۱۳۹۳)	بیگانگی تحصیلی	پیمایش	۱۳۷	تصادفی هدفمند	پرسشنامه	ناکارآمدی برنامه‌های تربیت و جذب دانش‌آموختگان، پایین بودن مقام و منزلت تحصیلی، ضعف توانایی دانشگاه در ایجاد توسعه، پایین بودن تسهیلات و تجهیزات در دانشگاه

جدول ۲. مشخصات روش شناختی تحقیقات خارجی بیگانگی

نام محقق	حوزه مطالعات	روش تحقیق	حجم نمونه	شیوه نمونه گیری	ابزار جمع آوری	عوامل مؤثر بر بیگانگی
فراسر و اکسلز (۱۹۹۵)	بیگانگی تحصیلی	پیمایش	۱۳۷۲	خوشه‌ای چندمرحله‌ای	پرسشنامه	انگیزه و رفتار تحصیلی، سلامت روانی، دخالت والدین
ایجن لی (۲۰۰۳)	بیگانگی تحصیلی	پیمایش	-	-	پرسشنامه	بی‌اعتمادی فرهنگی، نبود حمایت اجتماعی، نداشتن احساس اثربخشی، ناراضی‌ت‌های شخصی
هاکائوشی (۲۰۰۴)	عوامل بیگانگی تحصیلی	پیمایش	۵۵۰	نمونه‌گیری طبقه‌ای	پرسشنامه	پایگاه اجتماعی - اقتصادی، تعلق به خانواده
روایی و همکاران (۲۰۰۵)	بیگانگی در جامعه	پیمایشی	۱۱۷	تصادفی هدفمند	پرسشنامه	آموزش مجازی، پایگاه اجتماعی - اقتصادی، قومیت
جانسون (۲۰۰۵)	بیگانگی دانشجویان	پیمایش		نمونه‌گیری طبقه‌ای	پرسشنامه	نداشتن احساس تعلق به دانشگاه، بی‌علاقگی به رشته
سیسین (۲۰۰۶)	بیگانگی و بیزاری	پیمایش	۳۰۰	تصادفی هدفمند	پرسشنامه	جنسیت، میزان پرخاشگری، پایگاه اجتماعی - اقتصادی
رایس و همکاران (۲۰۰۸)	جوانب بیگانگی	پیمایش	۵۲۰۵	طبقه‌ای چندمرحله‌ای	پرسشنامه	احساس انزوا، کمبود قابلیت اعتماد و ناتوانی
کومار (۲۰۱۱)	بیگانگی تحصیلی	پیمایش	۴۰۰	طبقه‌ای متناسب با حجم	پرسشنامه	اختلالات و مشکلات بصری
صفی‌پور (۲۰۱۱)	بیگانگی اجتماعی	پیمایش	۴۴۴	تصادفی هدفمند	پرسشنامه	مهاجرت، پایبند نبودن به هنجارها

ادامه جدول ۲. مشخصات روش شناختی تحقیقات خارجی بیگانگی

نام محقق	حوزه مطالعات روش تحقیق	حجم نمونه	شیوه نمونه‌گیری	ابزار جمع‌آوری	عوامل مؤثر بر بیگانگی
کیوتیسی (۲۰۱۱)	بیگانگی تحصیلی	۵۰۰	تصادفی ساده	پرسشنامه	سرکشی از تحصیل، بی‌علاقگی، نداشتن حمایت اجتماعی و حمایت خانواده
آتافو (۲۰۱۲)	بیگانگی تحصیلی		نمونه‌گیری تصادفی هدفمند	پرسشنامه	جنسیت، سطح تحصیلی پایین، نداشتن حمایت اجتماعی
اوزمیر و رحیمی (۲۰۱۳)	احساس بیگانگی	۶۰	تصادفی هدفمند	مصاحبه	نبود تعامل و ارتباط میان دانشجو، استادان و دانشگاه
رودولف (۲۰۱۴)	بیگانگی اجتماعی	۱۲۲۱	تصادفی هدفمند	مصاحبه‌ها عمیق	همسالان، پرخاشگری، پایبند نبودن به ارزش‌ها

چارچوب نظری پژوهش

پژوهش حاضر، نظریه ناسازی پی‌یر بوردیو^۱ را در پاسخ به چرایی بیگانگی دانشجویی دانشگاهی و بررسی میدان‌های درون دانشگاهی به آزمون می‌گذارد. بوردیو پس از امیل دورکیم، یکی از مؤثرترین و معروف‌ترین صاحب‌نظران علوم اجتماعی فرانسه به‌شمار می‌رود. بوردیو ضمن ارجاع به صاحب‌نظران کلاسیک مانند کارل مارکس، امیل دورکیم و ماکس وبر، با آثار و افکار فلاسفه و جامعه‌شناسان معاصر از جمله ژان پل سارتر، ادموند هوسرل، ریمون بودن و... نیز آشنا بوده است. جامعه‌شناسی بوردیو خصلتی انتقادی دارد. او شیوه‌های کلیشه‌ای و رایج تفکر و اصول و قواعد مرسوم را به چالش می‌کشد. در عین حال، منتقد قالب‌های رسمی قدرت و تبعیض و سیاست است. نظریه ناسازی (هیسترسیس^۲) بوردیو در زیرمجموعه نظریه‌های مربوط به میدان^۳ و عادت‌واره^۴ وی قرار دارد. همان‌گونه که مارکس اصلاح بیگانگی و دورکیم اصطلاح بی‌هنجاری را برای توضیح اختلاف فرد با جامعه به‌کار می‌گیرند، بوردیو نیز از اصطلاح ناسازی برای توضیح گسست و شکاف در رابطه متقابل عادت‌واره و ساختار میدان استفاده می‌کند که با یکدیگر تناظر و تطابق ندارند (گرنفل، ۱۳۸۸: ۲۰۷-۲۰۸). در شرایط ثبات فردی و اجتماعی، عادت‌واره و میدان در حالت سازگاری به سر

1. Bourdieu
2. Hysteresis
3. Field
4. Habitus

می‌برند، اما هرگاه تغییر حاصل شود، یعنی میدان، موقعیت‌های جدیدی تعریف کند یا سرمایه نمادین فرد دچار تحول شود، می‌گوییم ناسازی یا بیگانگی رخ داده است (وثوقی، ۱۳۹۲: ۹۳). ناسازی یا هیستریسیس، اصطلاحی است که بوردیو برای تأکید بر عقب‌افتادگی فرهنگی یا انفصال میان منش‌های عادت‌ی یا عادت‌واره‌ها و قواعد تغییرکننده و ملزومات مربوط به میدان به‌کار برده است. به عبارت دقیق‌تر، بوردیو انفصال بین عادت‌واره‌ها و میدان را هیستریسیس یا ناسازی می‌نامد. در چنین مواردی، مقررات موجب کژکارکردی افراد می‌شود و تلاش‌هایی که آن‌ها با آن از خودشان تعریفی همیشگی و معمولی ارائه می‌دهند، موجب می‌شود که آن‌ها هرچه بیشتر در ناکامی و شکست غوطه‌ور شوند (مک دونوچ^۱ و پالزیر^۲، ۲۰۱۲: ۳۶۲).

بوردیو عادت‌واره را برای تأکید بر نقش فعال کنشگر اجتماعی در ساخت واقعیت اجتماعی به‌کار برده است. عادت‌واره درست مانند گرامر در زبان، تلفیقی از تصورات، طرز فکر، احساسات، ارزیابی‌ها، طرز صحبت و کنشی است که کل ظاهر بیانی، شفاهی و عملی شخص را تشکیل می‌دهد (والتر^۳، ۲۰۱۴: ۱۲). بوردیو معتقد است عادت‌واره‌ها عمدتاً بادوام هستند، اما ابدی و همیشگی نیستند. این نگرش گاهی ممکن است به این واقعیت ختم شود که عادت‌واره‌ها با شرایط میدانی اصلاح‌شده منطبق نیستند که بوردیو آن را اثر هیستریسیس می‌نامد (آسیماک^۴ و کوتراسکی^۵، ۲۰۱۴: ۱۲۵).

بوردیو از میدان‌های اجتماعی^۶ سخن می‌گوید؛ میدان‌هایی از قبیل دانشگاه، اقتصاد، ورزش و مدارس که قابل تقلیل به یکدیگر یا به سیستم منطقی بزرگ‌تر مانند سرمایه‌داری نیستند. در میدان دانشگاهی، افرادی براساس روابط اجتماعی تنظیم‌شده به‌وسیله دانشگاه‌ها، رشته‌های تخصصی و دانشکده‌ها جای گرفته‌اند که با استفاده از منابع در دسترسشان (مانند پیوندهای اجتماعی و دانش)، بر سر مرجعیت، قدرت و پرستیژ با یکدیگر رقابت دارند. بوردیو اصرار دارد که هر میدانی، به نوع خاصی از سرمایه یا منابع اهمیت نشان می‌دهد؛ برای مثال، سرمایه فرهنگی یا دانش و صلاحیت^۷، در حوزه آکادمیک بیش از اقتصاد ارزشمند تلقی می‌شود و عاملی کلیدی در تلاش برای کسب برتری به حساب می‌آید (سیدمن، ۱۳۸۶: ۱۹۸). بوردیو در *انسان دانشگاهی*^۸ به‌نوعی به توضیح ناسازی می‌پردازد. او با در نظر گرفتن میدان دانشگاهی، قدرت در دانشگاه را تحلیل می‌کند. از نظر

1. McDonough
2. Polzer
3. Walter
4. Asimaki
5. Koustourask
6. Social fields
7. Credentials
8. Homo Academia

او، نوعی تغییر واقعی در میدان دانشگاه رخ داده است. تعداد دانشجویان به شدت افزایش یافته، اما بحران جایگزینی استادان و کارکنان موجب ناسازی شده است (بورديو، ۱۹۸۸). او همچنین در *طرحی از نظریه عمل*^۱، به ناسازی عادت‌واره اشاره می‌کند. در نتیجه ناسازی علاوه بر اینکه نحوه شکل‌گیری عادت‌واره را تحت تأثیر قرار می‌دهد بر کنش‌ها هم تأثیر منفی خواهد گذاشت. بطوری که انطباق با محیط واقعی را دچار مشکل خواهد کرد (بورديو، ۱۹۹۵: ۷۸). ناسازی عادت‌واره که ویژگی ذاتی شرایط اجتماعی بازتولید ساختارها در عادت‌واره است، یکی از بنیان‌های تأخر ساختاری میان فرصت‌ها و تمایلات مورد نیاز برای فهم آن‌هاست (همان: ۸۳).

مسئله ناسازی در نظریات بورديو، به دو صورت در دانشگاه‌ها رخ می‌دهد. اول اینکه در نظریات بورديو، دانشگاه‌ها نهاد عمده‌ای هستند که در آن‌ها، درمورد انسان‌ها خشونت نمادین اعمال می‌شود (ریترز، ۱۳۸۹). دوم اینکه بورديو دانشگاه‌ها را میدانی تلقی می‌کند که در آن‌ها، در میان اشغال‌کنندگان و جایگاه‌های درون میدان، کشمکش‌ها و ناسازی‌هایی به وجود می‌آید. افراد از طریق عادت‌واره یا ساختمان ذهنی تلاش می‌کنند جایگاه خود در میدان حفظ کنند یا بهبود بخشند. بورديو آنچه را سازنده هویت دانشجویان است، با مفهوم عادت یا مکان دانشگاهی توضیح می‌دهد. از نظر بورديو، عادت‌واره و به عبارت دیگر عادت، منش و ساختمان ذهنی، ذوق و سلیقه فرد دانشگاهی و دیگر امور حوزه مناسب (کنش آکادمیک) و عناصر زیست دانشگاهی، در فرد دانشگاهی، متناسب با ساختار اجتماعی معین او شکل می‌گیرد. از این‌رو، در جوامع مختلف، عادت‌واره‌های دانشگاهی مختلف به وجود می‌آید (فاضلی، ۱۳۸۲: ۱۰۷).

مقوله نسبت فرهنگ دانشگاهی و از خود بیگانگی دانشگاهی را می‌توان با نظریه سرمایه فرهنگی بورديو و دانشگاه به‌عنوان یک میدان فرهنگی اجتماعی بررسی کرد. از نظر بورديو، سرمایه فرهنگی (مانند مدارک تحصیلی، رشته تحصیلی و نوع دانشگاه) تعیین‌کننده شانس‌های زندگی فرد است و در نظام شایسته‌سالاری دانشگاهی و تحصیلی، سلسله‌مراتب اجتماعی را سامان می‌دهد. به اعتقاد بورديو، منبع نابرابری در جامعه، بیشتر ماهیت فرهنگی دارد تا اقتصادی، و فاصله میان فرهنگ مدرسه و خاستگاه اجتماعی شاگردان، عامل مهمی در تعیین موفقیت آن‌ها در نظام آموزشی محسوب می‌شود (شارع‌پور، ۱۳۸۶: ۸۵) که از یک سو فضاهای ساختمان قدرت‌اند و از سوی دیگر، صحنه کشاکش و ناسازی‌های کنشگرانی به‌شمار می‌آیند که در پی حفظ یا براندازی نظام موجود توزیع سرمایه‌اند (واکوانت، ۱۳۸۱: ۳۳۶).

در مجموع، می‌توان گفت که ناسازی به‌مثابه ابزاری تحلیلی، پیوندی آشکار میان وضعیت عینی تغییرات نظام‌مند (تحول میدان) و واکنش به تغییرات در نتیجه تحول فکری و ایجاد عادت‌واره جایگزین برقرار می‌کند. از این‌رو، چنین مفهومی امکان درک ذات تغییرات میدان و پیامدهای آن را آن‌گونه که فرد در دنیای واقعی اجتماعی تجربه می‌کند، به ما می‌دهد. نظریه ناسازی بوردیو، به‌نوعی توضیح‌دهنده روابط نامتعادل بین میدان و عادت‌واره است. در شرایط تعادل، میان وضعیت میدان و عادت‌واره تناسب وجود دارد، اما هنگامی که میدان تغییر می‌کند، عادت‌واره با ازدست‌دادن تعادل، قدرت تطبیق‌پذیری خود را از دست می‌دهد و در این وضعیت، ناسازی یا بیگانگی رخ می‌دهد. براساس نظریه بوردیو، در شرایط ناسازی، دانشجویان با تأثیرپذیری از وضعیت میدان‌هایی که آن‌ها را احاطه کرده است، سرمایه فرهنگی خود را در خطر می‌بینند و واکنش آن‌ها بیگانگی با آن است. درحقیقت، دانشجو در وضعیت نامتعادل میدان‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی قرار می‌گیرد که این وضعیت تطابق، او را دچار چالش می‌کند. این وضعیت، خود را در حالت بیگانگی یا ناسازی نشان می‌دهد.

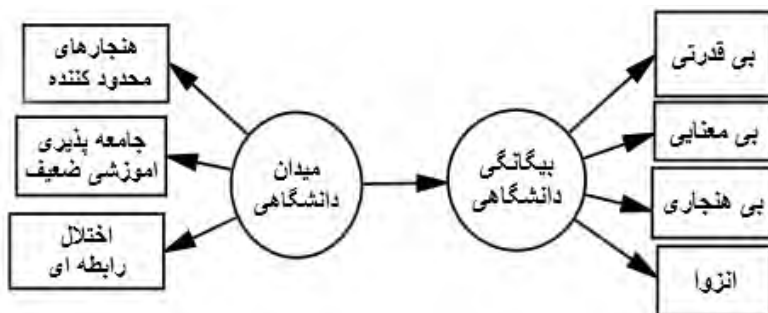
در این پژوهش، با استفاده از نظریه ناسازی بوردیو، به بررسی آن دسته از مؤلفه‌های میدان درون دانشگاهی می‌پردازیم که بر بیگانگی دانشجویان از فرایند تحصیل و دانشگاه مؤثرند. دانشگاه، میدانی در نظر گرفته می‌شود که دانشجو برای کسب و ارتقای سرمایه فرهنگی در آن تلاش می‌کند، اما در این میدان‌ها تغییراتی رخ می‌دهد و موجب شکل‌گیری منشی می‌شود که بوردیو آن را ناسازی یا بیگانگی می‌نامد. براین‌اساس، مدل نظری مطابق نظریه ناسازی بوردیو طراحی شده است. سازه بیگانگی دانشگاهی به‌معنای جدایافتگی دانشجویان از فرایند یادگیری و آموزش در چهار بعد انزوا، بی‌قدرتی، بی‌معنایی و بی‌هنجاری بررسی شد و سازه میدان دانشگاهی به‌عنوان متغیر مستقل، در سه بعد هنجارهای محدودکننده، جامعه‌پذیری آموزشی ضعیف و اختلال رابطه مطالعه و سنجش شد. در شکل ۱ مدل ساختاری بیگانگی دانشگاهی آمده است.

فرضیات پژوهش

براساس چارچوب نظری تحقیق و مدل برآمده از آن، فرضیات عبارت‌اند از:

۱. ناسازی در میدان دانشگاهی، بر بیگانگی دانشگاهی تأثیر دارد.
۲. هنجارهای محدودکننده دانشگاهی بر بیگانگی دانشگاهی تأثیر دارند.
۳. جامعه‌پذیری آموزشی ضعیف، بر بیگانگی دانشگاهی تأثیر دارد.
۴. اختلال رابطه‌ای (فرسایش سرمایه اجتماعی دانشجویان) بر بیگانگی دانشگاهی تأثیر دارد.

مدل نظری پژوهش



شکل ۱. مدل ساختاری میدان دانشگاهی و بیگانگی دانشگاهی

منبع: یافته‌های تحقیق

روش شناسی پژوهش

پژوهش حاضر پیمایشی^۱ و از نوع مقطعی^۲ است. جامعه آماری آن عبارت است از تمامی دانشجویان دانشگاه مازندران (۱۱،۳۷۷ نفر) که در سال تحصیلی ۹۳-۹۴ مشغول به تحصیل بوده‌اند. تعداد افراد نمونه، با استفاده از فرمول نمونه‌گیری کوکران، ۳۹۰ نفر تعیین شد. در این پژوهش، از روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای متناسب با حجم استفاده شد. داده‌های مورد نیاز تحقیق، با استفاده از ابزار پرسشنامه به روش میدانی جمع‌آوری شدند. برای ارزیابی میزان اعتبار و روایی، از روش اعتبار صوری و برای سنجش میزان اعتماد و پایایی مقیاس، پس از بررسی پرسشنامه در یک نمونه

جدول ۳. ضریب آلفای شاخص‌های پژوهش

ضریب آلفا	تعداد گویه‌ها	شاخص
۰/۷۳	۵	بی قدرتی
۰/۷۱	۵	بی معنایی
۰/۷۹	۶	بی هنجاری
۰/۷۸	۵	احساس انزوا
۰/۷۷	۵	هنجارهای محدودکننده
۰/۷۲	۵	جامعه‌پذیری آموزشی ضعیف
۰/۷۵	۵	اختلال رابطه‌ای

1. Survey

2. Cross – sectional

۴۰ نفری، از آلفای کرونباخ استفاده شد. ضریب آلفای تمامی طیف‌های استفاده شده در این تحقیق، در محدوده قابل قبول و بیش از ۰/۷ است. تجزیه و تحلیل داده‌ها با نرم‌افزار SPSS و آزمون مدل نظری با مدل ساختاری AMOS انجام گرفت.

تعریف متغیرها

متغیر وابسته در این تحقیق، بیگانگی دانشگاهی است که در چهار بعد سنجش شد. همچنین میدان دانشگاهی به‌عنوان متغیر تأثیرگذار بر بیگانگی، با سه بعد آزمون شد. تعریف نظری و عملیاتی متغیرهای پژوهش در جدول ۴ مشاهده می‌شود.

جدول ۴. تعریف مفاهیم متغیر وابسته و متغیرهای مستقل

متغیر	تعریف نظری	تعریف عملیاتی
هنجارهای محدودکننده	محدودیت‌های اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و حتی آموزشی از جانب دانشگاه	محدودیت در انتخاب جنسیت دوستان، افکار و عقاید دانشجویان و محدودیت‌های رفتاری
جامعه‌پذیری ضعیف آموزشی	ناتوانی در پرورش و اشاعه درست هنجارهای دانشگاهی در محیط‌های علمی و درونی‌نشدن هنجارها از طریق سیستم آموزشی دانشگاه در میان دانشجویان	ضعف در کارایی سیستم آموزشی تعاملی، درونی‌نشدن ارزش‌ها و هنجارها در میان دانشجویان، شکاف میان فرهنگ یادگیری دانشجویان
اختلال رابطه‌ای	پایین‌بودن میزان چگالی روابط اجتماعی، فرهنگی، قرینگی روابط اجتماعی، تعدد روابط اجتماعی، شدت روابط اجتماعی و تنوع هویت‌ها در روابط اجتماعی	زمانی که میان تعاملات دانشجویان با نقش‌های دانشگاهی اعم از استاد و نقش‌های اداری و آموزشی ارتباطات ضعیفی برقرار باشد
بیگانگی دانشگاهی	جدایی دانش‌آموزان و دانشجویان از فرایند یادگیری و تحصیل	احساس جدایی و دلزدگی دانشجویان از فرایند تحصیلی و دانشگاهی، ناتوانی در برقراری ارتباط معنادار با دیگران
احساس بی‌قدرتی	احتمال یا انتظار فرد به بی‌تأثیری عمل خویش یا تصور اینکه رفتار او قادر به تحقق نتایج مورد انتظارش نخواهد بود	ناتوانی در انجام دادن امور دانشگاهی و تحصیلی، ناتوانی در برابر مشکلات درسی و ناامیدی در رسیدن به اهداف و علائق
احساس بی‌معنایی	فرد در باور و عقیده خود دچار تردید و ابهام می‌شود و نمی‌تواند تشخیص دهد که به چه چیزی باید تعلق داشته باشد	نبود درک و فهم از جایگاه و موقعیت دانشگاهی، بی‌هدفی تحصیلی و سردرگمی در فعالیت‌های درسی

ادامه جدول ۴. تعریف مفاهیم متغیر وابسته و متغیرهای مستقل

متغیر	تعریف نظری	تعریف عملیاتی
احساس بی‌هنجاری	دستیابی به اهداف دلخواه، تنها در گروه اعمال و رفتارهایی است که از نظر اجتماعی مقبول و پسندیده نباشد	پیروی نکردن از قوانین دانشگاه، بی‌اعتنایی به قوانین و هنجارهای دانشگاهی
احساس انزوا	بیگانه شدن فرد از ارزش‌ها و هنجارهای جامعه، به این صورت که شخص احساس تنهایی می‌کند و می‌خواهد از دیگران کناره‌گیری کند	همکاری نکردن با دیگران در انجام دادن امور تحصیلی، تعاملات ضعیف و شرکت نکردن در گروه‌های علمی دانشگاه

توصیف اجمالی متغیرهای پژوهش

الف) تجزیه و تحلیل

داده‌های این پژوهش در میان ۳۹۰ نفر از دانشجویان دانشگاه مازندران در سال تحصیلی ۹۳-۹۴ با ۱۵۰ مرد (۳۸/۵ درصد) و ۲۴۰ زن (۶۱/۵ درصد) گردآوری شده است. براساس اطلاعات به دست آمده، میانگین سنی پاسخگویان ۲۴ سال است. ۳۳۷ نفر از دانشجویان (۸۶/۴ درصد) مجرد و ۵۳ نفر (۱۳/۶ درصد) متأهل‌اند. دانشکده علوم انسانی و اجتماعی با ۲۱/۸ درصد و دانشکده علوم دریایی با ۵/۰ درصد به ترتیب بیشترین و کمترین سهم پاسخگویان از میان ۳۹۰ نفر نمونه را دارند. دانشجویان ترم چهار کارشناسی ارشد با ۲۵/۶ درصد و ترم دوم با ۲۲/۶ درصد به ترتیب، بیشترین حجم نمونه تحقیق را تشکیل می‌دهند. ۳۰۳ نفر از دانشجویان (۷۷/۷ درصد) ساکن خوابگاه و ۳۵ نفر (۹/۰ درصد) دارای منزل شخصی هستند و تنها ۵۲ نفر (۱۳/۳) با والدین خود زندگی می‌کنند. براساس طبقه اقتصادی (پایین، متوسط و بالا)، ۱۶ نفر (۴/۱ درصد) خود را متعلق به طبقه بالا، ۲۸۵ نفر (۷۳/۱ درصد) طبقه متوسط و ۸۹ نفر (۲۲/۸ درصد) خود را متعلق به طبقه اقتصادی پایین عنوان کرده‌اند. همچنین ۳۶/۹ درصد، درآمد خانواده خود را کمتر از یک میلیون، ۴۷/۹ درصد بین یک تا دو میلیون، ۹/۵ درصد بین دو تا سه میلیون و تنها ۳/۱ درصد بیش از سه میلیون عنوان کرده‌اند.

براساس توزیع فراوانی و درصدی شاخص کل بیگانگی دانشگاهی برحسب جنس، بیگانگی دانشگاهی در میان دانشجویان دختر ۶۱/۳ درصد، در میان پسران ۳۸/۷ درصد و میانگین شاخص کل بیگانگی دانشگاهی ۲۴/۹۵ درصد است. نتایج ابعاد بیگانگی دانشگاهی (بی‌قدرتی، بی‌معنایی، بی‌هنجاری و انزوا) برحسب جنس نشان می‌دهد در میان شاخص‌های بالا به ترتیب، شاخص بی‌قدرتی

با ۶۲/۴ درصد، شاخص بی‌معنایی با ۴۴/۷ درصد، شاخص بی‌هنجاری با ۳۸/۲ درصد و شاخص احساس انزوا با ۴۴/۶ درصد، بیشترین سهم را در بیگانگی دانشگاهی دانشجویان داشته‌اند. نتایج کل شاخص هنجارهای محدودکننده نشان می‌دهد ۹/۷ درصد از دانشجویان، میزان هنجارهای محدودکننده خود را پایین، ۴۷/۹ درصد متوسط و ۴۴/۱ درصد میزان این هنجارها را بالا عنوان کرده‌اند. تنها ۵/۷ درصد از دانشجویان، جامعه‌پذیری آموزشی ضعیف در دانشگاه را کم، ۵۳/۱ درصد در حد متوسط و ۳۹/۴ درصد میزان جامعه‌پذیری آموزشی ضعیف در دانشگاه را زیاد می‌دانند. همچنین در مورد متغیر اختلال رابطه‌ای، ۱۵/۹ درصد از دانشجویان، میزان اختلال رابطه‌ای (فرسایش سرمایه اجتماعی) خود را پایین، ۵۱/۲ درصد در حد متوسط و تنها ۳۲/۹ درصد، آن را بالا عنوان کرده‌اند.

ب) آزمون فرضیات پژوهش

برای آزمون فرضیات با استفاده از نرم‌افزار SPSS، از آماره پیرسون استفاده شد. جدول ۵ آزمون همبستگی میان متغیرهای اصلی تحقیق (هنجارهای محدودکننده، جامعه‌پذیری آموزشی ضعیف، اختلال رابطه‌ای) و بیگانگی دانشگاهی را نشان می‌دهد.

جدول ۵. آزمون همبستگی میان متغیرهای مستقل و بیگانگی دانشگاهی

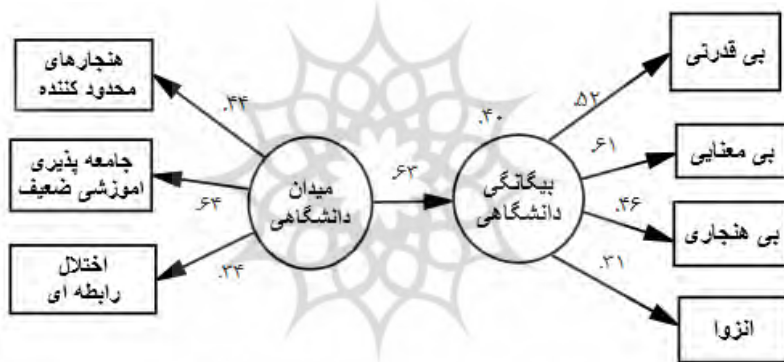
سطح معناداری	میزان همبستگی	متغیر مستقل
۰/۰۰	۰/۳۷	هنجارهای محدودکننده
۰/۰۰	۰/۲۹	جامعه‌پذیری آموزشی ضعیف
۰/۱۲	-۰/۰۸	اختلال رابطه‌ای

جدول ۵ بیانگر میزان همبستگی میان متغیرهای مستقل تحقیق با بیگانگی دانشگاهی را نشان می‌دهد. همان‌گونه که از این جدول برمی‌آید، متغیرهای میدان دانشگاهی شامل هنجارهای محدودکننده $r=0.37$ ، جامعه‌پذیری آموزشی ضعیف $r=0.29$ ، با توجه به سطح معناداری‌های موجود ($Sig=0.00$) دارای تأثیر مستقیم و مثبتی بر متغیر وابسته (بیگانگی دانشگاهی) است. رابطه میان اختلال رابطه‌ای و بیگانگی معنادار نیست.

آزمون مدل نظری

همان‌گونه که اشاره شد، در این تحقیق براساس نرم‌افزار AMOS روابط میان متغیرهای مستقل و

تأثیرشان بر متغیر وابسته به صورت مدلی تجربی ارائه شد. مدل‌سازی معادله ساختاری، روشی برای آزمون مدل‌های نظری است که در آن، خطاهای احتمالی هم در تحلیل مدنظر قرار می‌گیرند. همان‌گونه که در شکل ۲ آمده است، سازه میدان دانشگاهی به همراه ابعادش (هنجارهای محدودکننده، جامعه‌پذیری ضعیف و اختلال رابطه‌ای) به طور مستقیم بر بیگانگی محدودکننده، جامعه‌پذیری آموزشی ضعیف و اختلال رابطه‌ای (هنجارهای محدودکننده، جامعه‌پذیری آموزشی ضعیف و اختلال رابطه‌ای) تأثیر مثبت و بالایی بر بیگانگی دانشگاهی دارد. درعین حال، همه این متغیرها با یکدیگر تنها ۴۰ درصد از تغییرات متغیر وابسته (بیگانگی دانشگاهی) را تبیین می‌کنند.



شکل ۲. مدل ساختاری تجربی روابط میان میدان دانشگاهی و بیگانگی دانشگاهی

Degrees of freedom=12 sig=0/11 RMSEA=0.05 R2=0.40

جدول ۶. آماره‌های برازش رابطه میان میدان دانشگاهی و بیگانگی دانشگاهی

Chi-square	NFI	RFI	IFI	CFI	χ^2
۲۵/۸۴	۰/۹۰	۰/۸۹	۰/۹۳	۰/۹۱	۲/۴۰

آماره‌های برازش در معادله ساختاری نشان می‌دهد آیا مدل نظری با داده‌های نمونه‌ای تناسب دارد یا خیر. همان‌طور که مشاهده می‌شود، آماره کای اسکور معنادار نیست و این بیانگر برازش مدل تجربی در بالاست. بدین معنا که تمایز چندانی میان داده‌های نمونه‌ای و داده‌های تولیدشده به وسیله مدل تحلیلی وجود ندارد. همچنین نتایج آماره ریشه دوم میانگین مربعات خطای برآورد (RMSEA=۰/۰۵) و شاخص برازش تطبیقی مقصد (CFI=۰/۹۱) و مطلق، بیانگر برازش قابل قبول مدل مسیر است. به‌طورکلی، این آماره‌ها نشان می‌دهد مدل نظری ما به وسیله داده‌های نمونه‌ای تأیید شده است.

بحث و نتیجه گیری

بیگانگی تحصیلی یا دانشگاهی به عنوان یکی از اشکال بیگانگی، اصطلاحی است که برای توضیح جدایی دانشجویان یا دانش‌آموزان از فرایند یادگیری استفاده می‌شود و آن را وضعیت یا تجربه منزوی بودن از یک گروه تحصیلی یا دانشگاهی تعریف کرده‌اند که فرد باید به آن تعلق داشته باشد یا درگیر آن باشد. رفتارهای جمعی دانشجویان، گواه این مدعاست که با اینکه آنان همه تلاش خود را برای قبولی در کنکور انجام می‌دهند، بعد از ورود به محیط دانشگاه به تدریج از شرایط محیط آموزشی و دانشگاه احساس انزجار و بیزاری می‌کنند، علاقه آن‌ها به درس و تحصیل کاهش می‌یابد و به نوعی از تحصیل و دانشگاه بیگانه می‌شوند. رفتار دانشجویانی که از هر فرصت ممکن برای خروج از کلاس درس و غیبت استفاده می‌کنند، بیانگر نوعی اجبار به ادامه تحصیل است؛ هرچند زمینه‌های بیگانگی از دانشگاه ممکن است از دوران مدرسه و دبیرستان آغاز شده باشد. مطالعات و تحقیقات گذشته، عمدتاً بیگانگی و بیگانگی اجتماعی جوانان را به صورت کلی بررسی کرده‌اند؛ بنابراین، تحقیق حاضر به تحلیل رابطه میان ناسازی در سطح میدان‌های درون‌دانشگاهی و بیگانگی دانشگاهی در بین دانشجویان پرداخته است.

در این پژوهش، با استفاده از نظریه ناسازی بورديو و مطالعات پیشین، مدل نظری تحقیق برای بررسی بیگانگی دانشگاهی طراحی شد. براین اساس، بیگانگی دانشگاهی به عنوان متغیر وابسته در نظر گرفته شد و متغیرهای هنجارهای محدودکننده، جامعه‌پذیری آموزشی ضعیف و اختلال رابطه‌ای، در سطح میدان‌های درون‌دانشگاهی به عنوان متغیرهای مستقل معرفی شدند. در نهایت، از گویه‌های مناسب برای سنجش هریک از متغیرها بهره گرفته شد. مطابق یافته‌ها، حدود ۲/۹ درصد از دانشجویان میزان بیگانگی خود را از دانشگاه کم، ۵۳/۱ درصد متوسط و ۴۴/۱ درصد زیاد عنوان کرده‌اند. با توجه به یافته‌ها، میانگین بیگانگی دانشگاهی در میان دانشجویان دانشگاه مازندران ۲۴/۹۵ درصد است. براساس یافته‌های آزمون همبستگی تحقیق، متغیر هنجارهای محدودکننده با میزان همبستگی ۰/۳۷ و سطح معناداری ۰/۰۰۰ و نیز نتایج برازش آزمون مدل ساختاری برای متغیر هنجارهای محدودکننده ($\text{Beta}=0/64$)، به نظر می‌رسد دانشجویان از هنجارهای محدودکننده، فشارهای ساختاری، مقررات دست‌وپاگیر از جانب دانشگاه تأثیر می‌پذیرند و با فرایند تحصیل و دانشگاه بیگانه می‌شوند.

نتایج تحقیقات تجربی در زمینه بیگانگی تحصیلی نیز تأثیر میدان دانشگاهی را بر بیگانگی دانشجویان از دانشگاه نشان می‌دهد. نتایج تحقیق حاضر با نتایج پژوهش‌های پیشین (ستوده،

۱۳۸۷؛ فاضلی، ۱۳۸۲؛ ذکایی، ۱۳۹۰؛ موسوی و حیدرپور، ۱۳۹۰؛ فراسر واکسلز، ۱۹۹۵؛ کیوتیستی، ۲۰۱۱؛ اوزمیر و رحیمی، ۲۰۱۱) در زمینه بیگانگی و بیگانگی تحصیلی مطابقت دارد. در تحقیق موسوی و حیدرپور (۱۳۹۰) محدودیت‌های اعمال‌شده به‌وسیله دانشگاه و بالابودن میزان مدرک‌گرایی، به‌عنوان عوامل درون‌دانشگاهی بر بیگانگی تحصیلی دانشجویان دانشگاه شاهد تأثیرگذار بوده است. همچنین یافته‌های تحقیق جعفری (۱۳۹۳) نشان می‌دهد ضعف توانایی دانشگاه در ایجاد توسعه شایستگی‌های کانونی، پایین‌بودن تسهیلات و تجهیزات و ابزارهای تخصصی در دانشگاه به‌عنوان عوامل درون‌دانشگاهی، بر بیگانگی دانشجویان دانشگاه بجنورد تأثیرگذار بوده است که با یافته‌های پژوهش حاضر همخوانی دارد.

پدیده بیگانگی تحصیلی و ناسازی میان دانشجو و دانشگاه شاید ریشه در مقاطع تحصیلی پایین‌تر داشته باشد. با انجام‌گرفتن پژوهش‌هایی کلان و کارشناسانه از سوی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و نیز وزارت آموزش و پرورش می‌توان به عوامل ریشه‌ای این بحران پی برد و از تشدید آن در مقاطع بالاتر جلوگیری کرد. گسترش مشارکت و تعاملات علمی - آموزشی بین استاد و دانشجو و سهم‌کردن حوزه علاقه‌مندی‌های دانشجویان در ارائه کارنوشت‌های کلاسی، فراهم‌بودن بستر و شرایط مناسب برای ایجاد نشست‌ها و رقابت‌های علمی در میان دانشجویان دانشکده‌های مختلف، علاوه‌بر ایجاد انگیزه در آن‌ها، از روند دلزدگی آن‌ها از فرایند تحصیل و دانشگاه جلوگیری می‌کند. در دانشگاه‌ها باید سهم بیشتری به علائق دانشجو، قدرت انتخاب در نوع درس‌ها و استاد، برای دانشجو فراهم باشد. فرهنگ دانشگاهی قوی، ستون و پایه نظام آموزشی هر کشور است و با تقویت و برطرف‌کردن ضعف‌ها در این حوزه می‌توان به بهبود مشکلات ساختاری - آموزشی در دانشگاه‌های کشور کمک کرد.

منابع

- بلیکی، نورمن (۱۳۹۲)، *طراحی پژوهش‌های اجتماعی*، ترجمه حسن چاوشیان، تهران: نشرنی.
- بنی‌فاطمه، حسین و رسولی، زهره (۱۳۹۰)، «بررسی میزان بیگانگی اجتماعی در بین دانشجویان دانشگاه تبریز و عوامل مرتبط با آن»، *فصلنامه جامعه‌شناختی کاربردی*، شماره ۴۱: ۱-۲۶.
- توفیقیان‌فر، حسن و حسینی، احمد (۱۳۹۱)، «بررسی بیگانگی اجتماعی جوانان و عوامل اجتماعی مرتبط با آن»، *فصلنامه مطالعات جامعه‌شناختی جوانان*، شماره ۸: ۴۵-۵۸.
- جعفری، نسترن (۱۳۹۳)، *عوامل اجتماعی و بیگانگی تحصیلی در بین دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه علوم پزشکی شهرستان بجنورد*، پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشد، دانشگاه مازندران.

- حمدی، اکبر (۱۳۹۲)، بررسی جامعه‌شناختی بیگانگی تحصیلی در میان دانش‌آموزان سال سوم متوسطه شهرستان ملکان، پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشد، دانشگاه مازندران.
- ذکایی، محمدمسعود (۱۳۸۸)، «بیگانگی تحصیلی و دانشگاهی پژوهشی در میان دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه تهران»، ماهنامه جشنواره بین‌المللی فارابی، شماره ۱۳: ۸۲-۹۰.
- ذکایی، محمدمسعود و اسماعیلی، محمدجواد (۱۳۹۰)، «جوانان و بیگانگی تحصیلی و دانشگاهی»، فصلنامه تحقیقات فرهنگی، شماره ۴: ۵۵-۹۰.
- _____ و اسماعیلی، محمدجواد (۱۳۹۳)، جوانان و بیگانگی تحصیلی و دانشگاهی، تهران: انتشارات پژوهشگاه مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- رحمان‌پور، سعید (۱۳۸۹)، بررسی میزان بیگانگی اجتماعی جوانان شهر تبریز و عوامل مؤثر بر آن، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته علوم اجتماعی، دانشگاه تبریز.
- ریتزر، جورج (۱۳۸۹)، مبانی نظری جامعه‌شناختی معاصر و ریشه‌های کلاسیک آن، ترجمه شهناز مسمی‌پرست، تهران: انتشارات ثالث.
- ساروخانی، باقر (۱۳۸۵)، روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی، تهران: انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- سازمان ملی جوانان (۱۳۸۰)، طرح تحقیقاتی وضعیت و نگرش جوانان ایران، تهران: انتشارات سازمان ملی جوانان ایران.
- ستوده، هدایت الله (۱۳۸۷)، «ناکامی آموزشی و ازخودبیگانگی» (پژوهشی در دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن)، فصلنامه اندیشه‌های تازه در علوم تربیتی، شماره ۲: ۹۳-۱۱۵.
- سیدمن، استیون (۱۳۸۶)، کشاکش آراء در جامعه‌شناسی، ترجمه هادی جلیلی، تهران: نشرنی.
- شارع‌پور، محمود (۱۳۸۶)، جامعه‌شناسی آموزش و پرورش، تهران: انتشارات سمت.
- صالح‌نژاد، حسن (۱۳۸۸)، بررسی رابطه بین سرمایه فرهنگی و بیگانگی اجتماعی در بین دانش‌آموزان دبیرستانی و پیش‌دانشگاهی شهرستان سقز، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته علوم اجتماعی دانشگاه تبریز.
- طالبی، ابوتراب و برزگری دهج، راضیه (۱۳۹۱)، «بررسی چگونگی اعتماد و کناره‌گیری اجتماعی در میان دانشجویان»، فصلنامه برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، شماره ۱۱: ۱۳۱-۱۸۲.
- فاضلی، نعمت‌الله (۱۳۸۲)، «بررسی تطبیقی فرهنگ دانشگاهی ایران و بریتانیا: مطالعه انسان‌شناختی در علل ناکارآمدی آموزش دانشگاهی در ایران»، نامه انسان‌شناسی، شماره ۳: ۹۳-۱۳۲.
- قانع‌راد، محمدمامین (۱۳۸۳)، «مشکلات اجتماعی توسعه ناموزون آموزش عالی، بیکاری دانش‌آموختگان و مهاجرت نخبگان»، فصلنامه رفاه اجتماعی، شماره ۱۵: ۱۶۹-۲۰۸.
- گرنفل، مایکل (۱۳۸۸)، مفاهیم کلیدی پیر بردیو، ترجمه محمدمهدی لیبی، تهران: انتشارات افکار.
- مجیدی، امیر (۱۳۹۱)، بررسی عوامل اجتماعی و فرهنگی مرتبط با بی‌تفاوتی اجتماعی در بین

دانشجویان دانشگاه کردستان و دانشگاه پیام‌نور سنندج، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته جامعه‌شناسی دانشگاه سنندج.

• محسنی تبریزی، علیرضا (۱۳۸۱)، «بررسی انزوای ارزشی در دانشگاه‌های دولتی تهران»، *مجله پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزشی عالی*، شماره ۲۶: ۱۱۹-۱۸۲.

• موسوی، سیدکمال‌الدین و حیدرپورمرند، سکینه (۱۳۹۰)، «تحلیل جامعه‌شناختی بیگانگی تحصیلی دانشجویان: مطالعه موردی دانشگاه شاهد در سال تحصیلی ۸۸-۸۷»، *فصلنامه علوم اجتماعی*، شماره ۵۶: ۳۵-۷۱.

• واکو و انت، لویک (۱۳۸۱)، *پیربورديو؛ متفکران بزرگ جامعه‌شناسی*، ترجمه مهرداد میرداماد، تهران: انتشارات مرکز.

• وثوقی، منصور و ساری، محسن (۱۳۹۲)، «گونه‌های مختلف بیگانگی اجتماعی جوانان (تحقیقی در شهر تهران)»، *مجله مطالعات توسعه اجتماعی ایران*، شماره ۳: ۸۹-۱۰۶.

- Asimaki, A. and Koustouraski, G. (2014), "Habitus: An attempt at a thorough analysis of a controversial concept in Pierre Bourdieu's theory of practice", *Social sciences*, No 4: 121- 131.
- Atnafu, M. (2012), "Motivation, Social Support, Alienation from the School and their Impact on Students' Achievement in Mathematics: The Case of Tenth Grade Students", *Ethiopian Journal of Education and Sciences*, No 1: 53- 74.
- Bourdieu, p. (1988), *Homo academicus*, translated by peter collier, Stanford university press.
- Bourdieu, p. (1988), *Outline of a theory pf practice*, translated by ricahrd nice, cambridge university press..
- Cecen, A. R. (2006), "School alienation: gender, socio-economic status and anger in high school adolescents", *Educational Sciences: Theory & Practice*, No 3: 721- 726.
- Civitci, N. (2011), "School alienation and perceived social support as predictor of school anger in high school student", *Elementary education Online*, No 10: 861- 871..
- Eric, Lee (2003), *Cultural mistrust, university alienation, academic self-efficacy and academic help seeking in African American college students*, ETD collection for University of Nebraska-Lincoln.PaperAAI..
- Fraser, K. Eccles, J. (1995), *Academic Alienation and ooo tttttt 's Possible Selves: How School Experiences Shape Visions of the Future*, Poster presented at the biennial meeting of the Society for Research on Child Development-Indianapolis, USA.
- Hakhoe Chi, T.K. (2004), "The influencing factors on alienation", *high school students*, No 34: 45- 52.
- Jalal, S. (2011), *Self-reported health and social alienation in Swedish adolescents: A cross-sectional study among high-school students in Stockholm.*
- Johnson, G. M. (2005), "Student Alienation, Academic Achievement, and WebCT Use", *Educational Technology & Society*, No. 8: 179- 189.
- Karen, D. R. (2014), "Jennifer E. Lansford• Anna M. Agoston and Niwako

Sugimura, David Schwartz, Kenneth A. Dodge, Gregory S. Pettit, John E. Bates. Peer Victimization and Social Alienation: Predicting Deviant Peer Affiliation in Middle School”, **Child Development, January/February**, No 1: 124- 139.

- McDonough, P. & Polzer, J. (2012), “Habitus, hysteresis and organizational change in the public sector”, **Canadian Journal of Sociology**, No 4: 357- 380.
- Osin, E. (2009), "Subjective experience of alienation: Measurement and correlates”, **Gesellschaft fur Logotherapie und Existenzanalyse**, No 26: 16- 23.
- Rayse.L. B. signe<olstein Bjorn& krejher, svend (2008), “Aspects of Alienation And sxmpton Load Among Adoles cents”, **Journal of public ltealtho**, No 9: 84- 79.
- Rovai, A. P. & Wighting, M. J. (2005), “Feelings of alienation and community among higher education students in a virtual classroom”, **The Internet and higher education**, No 2: 97- 110.
- Tina H. & Gerda H. (2011), **Alienation from School: a Problem occurring during early Adolescence. European**, Educational Research Association, Faculty of Education, Austria: University of Salzburg..
- Walther, M. (2014), “Bourdieu’s Theory of Practice as Theoretical Framework”. In Repatriation to France and Germany, **Springer Fachmedien Wiesbaden**, No 5: 7- 23.